



نشریه سیاسی جاده عدالت
بسیج دانشجویی دانشکدگان
کشاورزی و منابع طبیعی



زندگی نامه شهید حاج قاسم سلیمانی

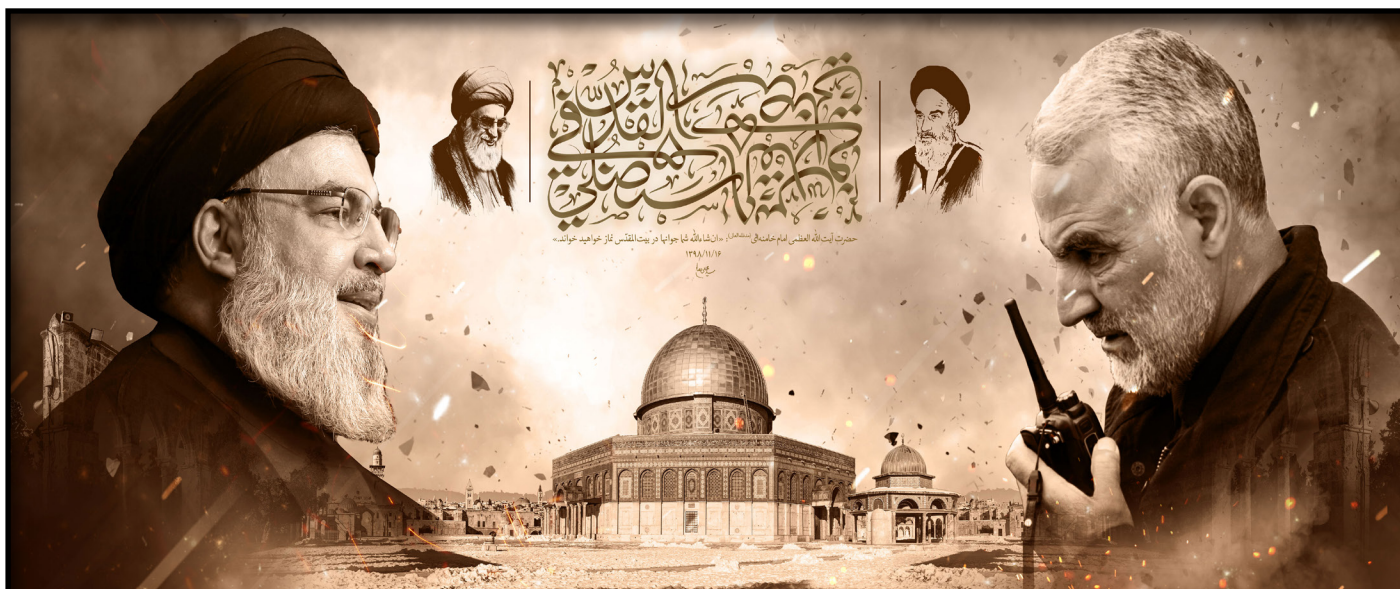
نهضت ادامه دارد

پیوستن به FATF: تزریق شفافیت یا تورم تحریمها؟

رویای بازگشت امپراطوری عثمانی

رازی که در خون نهفته است ...

اهمیت حق الناس در زندگی شهید محمد یزدانی



و ذهن‌ها باقی مانده است و هنوز هم صدای «یا زینب» او در دل کسانی که با شهید سلیمانی آشنا شده‌اند، طنین‌انداز است

پس از پایان جنگ تحمیلی، تداوم فعالیت‌های مجاهدت آمیز حاج قاسم در عرصه‌های مختلف ادامه یافت. او در مبارزه با تروریسم در عراق و سوریه نقش بی بدیلی ایفا کرد و با فرماندهی عملیاتی راهبردی، به شکوفایی روح مقاومت در قلب مردم این کشورها کمک کرد

شهادت او در تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸، به عنوان يك حادثه شگرف و غم‌انگیز در تاریخ معاصر جهان، قلوب میلیون‌ها انسان ارادت‌مند و دوستدار راه حق و آزادی را آذین بست

زندگی و جریان مبارزاتی حاج قاسم سلیمانی، تنها به يك نفر محدود نمی‌شود بلکه ادامه راه او به دست میلیون‌ها انسان مؤمن و انقلابی منتقل شده است

این پیمان مقدس با خون شهیدان و خصوصاً حاج قاسم سلیمانی، در دل‌های مردم نهادینه شده و چنان است که دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را خاموش یا تضعیف کند

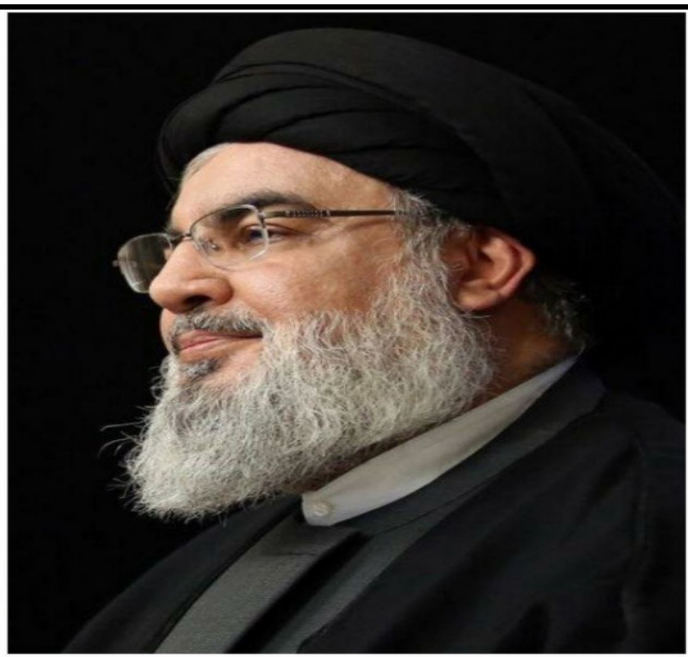
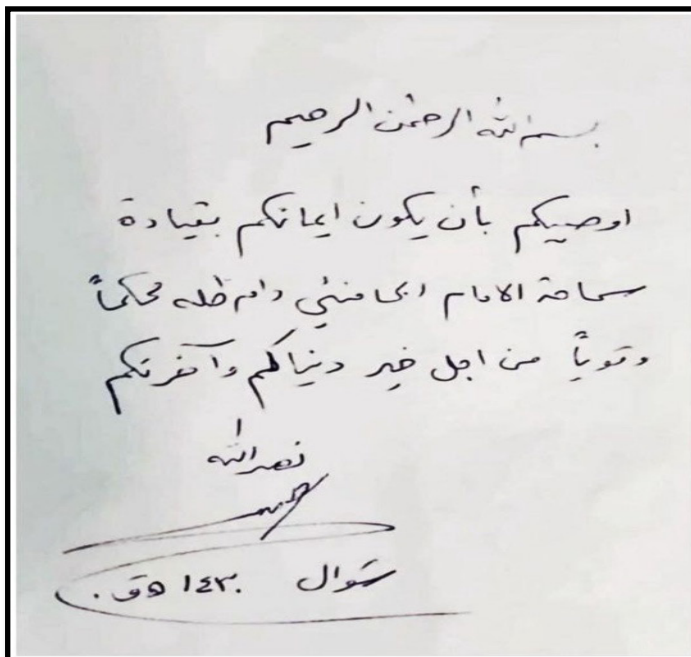
در یاد و خاطر ما، حیات و زنده بودن راه حاج قاسم نوعی شور و انگیزه می‌آفریند که مطمئناً در مقابله با مظلومیت و ستم، به پیروزی‌های بزرگ منجر خواهد شد

زندگی نامه شهید حاج قاسم سلیمانی

شهید حاج قاسم سلیمانی، یکی از بزرگ‌ترین و اثرگذارترین فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در آسمان مجاهدت و شهادت، درخششی بی نظیر را از خود به جا گذاشت. او در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۴۶ در روستای قنات ملک، از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمان به دنیا آمد. از کودکی فعالیت‌هایی در زمینه زراعت و دام‌پروری داشت و در عین حال در جستجوی حقیقت و معنویت، به مطالعه و آموختن دینی پرداخت

در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، حاج قاسم به عنوان یکی از جوانان پرشور و انقلابی، به صفوف مبارزین پیوست و با پیوستن به سپاه پاسداران به عنوان يك مبارز حق طلب، ملقب به «سرلشکر» شد. شبکه‌ای از ارتباطات انسانی و روحی در قلب او شکل گرفت که با هر قدم، به تقویت آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع از مظلومین در ایران و جهان می‌انجامید

در طول سال‌های جنگ تحمیلی، حاج قاسم به عنوان یکی از فرماندهان دفاع مقدس، خدمات شایان توجهی را در جبهه‌ها به جا گذاشت. او نه تنها يك فرمانده نظامی بلکه يك معلم و رهنما بود که روحیه جهادی و اراده‌ی پایدار خود را به دیگر رزمندگان منتقل می‌کرد. یادگارهای این ایام در قلب‌ها



نهضت ادامه دارد:

از شهید حاج قاسم سلیمانی تا سید المقاومة سید حسن نصرالله

سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، نماد مقاومتی است که در تمام عمر خود با اراده‌ای پایدار در برابر دشمنان ایستاد. پس از شهادت این بزرگمرد، مراسم تشییع او در لبنان به یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر تبدیل شد. میلیون‌ها نفر از شیفتگان مقاومت، با قلب‌هایی پر از عشق و ارادت، به وداع با اسطوره مقاومت آمدند؛ گرمای عشق مردم به او، نشان‌دهنده عمق ایستادگی و فدای ایشان در راه آرمان‌های الهی و انسانی بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این ایام تأکید کردند که شهید نصرالله نه تنها يك رهبر بلکه يك راهنما برای ملت‌های آزادخواه است. رهبران سیاسی و مذهبی در سراسر جهان، از پیام‌های ایشان این را دریافتند که مسیر سید حسن نصرالله همچنان ادامه خواهد داشت و میراث او بر اساس ایستادگی و مقاومت، بر دوش ما سنگینی می‌کند. به فرموده ایشان، «شهادت پایان راه نیست، بلکه آغاز مسیری است که او و دیگر شهدای مقاومتی که تا به امروز جان خود را فدای آرمان‌های الهی کرده‌اند، بر ما گذاشته‌اند».

شیوه زندگی و مبارزاتی سید حسن نصرالله، تجسّدی از عزم و اراده‌ای است که ملتی را برای فتح قله‌های بزرگ تدبیر می‌کند. بی‌تردید، یاد او به‌عنوان يك قهرمان در دل‌ها و اذهان باقی خواهد ماند و وفاداری به آرمان‌هایش، وظیفه‌ای شایسته و ضروری بر دوش ملت‌های آزاد و عدالت‌خواه خواهد بود.

تشییع سید حسن نصرالله نه تنها يك مراسم وداع بلکه يك تجدید پیمان با آرمان‌های او بود. پیمانی که باید آن را با صدای بلند و شجاعت در دل‌هایمان زنده نگه داریم و همچنان در مسیر بهمانیم و مبارزه کنیم.

پیوستن به FATF

پیوستن به FATF: تزریق شفافیت یا تورم تحریم‌ها؟

پیوستن به FATF تنها به کنترل فعالیت‌های مالی منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند به سقوط بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران منجر شود. سیستم بانکی و مراکز اقتصادی کشور تحت فشار قرار می‌گیرند و توانایی آن‌ها برای انجام معاملات با شرکای بین‌المللی به شدت محدود می‌شود. این امر به نوبه خود می‌تواند جریان سرمایه‌گذاری، صادرات، و تمامی ابعاد مرتبط با ثبات اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار دهد



۵. امنیت اطلاعات و حاکمیت ملی

در شرایطی که FATF به جمع‌آوری اطلاعات مالی کشورها می‌پردازد، در حقیقت به نوعی حاکمیت ملی کشورها را تهدید می‌کند. اطلاعات اقتصادی و مالی هر کشور نشان‌دهنده حجم عظیمی از دیتاهای حساس است که می‌تواند به سلاخی برای فشار بر تصمیم‌گیرندگان تبدیل شود. در نتیجه، امنیت ملی ایران در صورت پیوستن به FATF به خطر خواهد افتاد

از آنچه که گفته شد، به وضوح مشخص است که پیوستن به FATF نه تنها به حل مشکلات اقتصادی ایران کمک نخواهد کرد، بلکه می‌تواند به تهدیدی جدی برای امنیت ملی و حاکمیت این کشور تبدیل شود. واقعیت موجود نشان می‌دهد که کنوانسیون FATF به جای حمایت از عدالت و شفافیت مالی، بیشتر ابزاری برای دستیابی به قدرت‌های بزرگ و سرکوب کشورهای مستقل است. از این رو، کشور باید با دقت بیشتری به اقدامات خود در این زمینه توجه کند و از پذیرش هرگونه پیمانی که به زیان منافع ملی باشد، خودداری کند

کنوانسیون FATF یا گروه ویژه اقدام مالی، به عنوان یک نهاد بین‌المللی به منظور مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم تأسیس شده است. در حالی که این کنوانسیون در ظاهر به دنبال ارتقاء شفافیت مالی و مبارزه با فساد است، در عمل می‌تواند به ابزاری برای فشار بر کشورهای تبدیل شود که به دنبال استقلال از سلطه قدرت‌های بزرگ هستند، به ویژه جمهوری اسلامی ایران که تحت تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی قرار دارد

۱. ارزیابی ابعاد امنیتی FATF

پیوند FATF با امنیت ملی کشورها بسیار پیچیده است. در واقع، معیارهایی که این نهاد برای شفافیت مالی تعیین کرده است، عمده‌تاً تحت تأثیر منافع کشورهای بزرگ و توطئه‌های سیاسی قرار دارد. ایران به عنوان یک کشور مستقل و مقاوم به شدت تحت فشار قرار دارد و پیوستن به FATF می‌تواند به تسهیل نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی کشورهای محور مقاومت بینجامد. از آنجا که ایران حامی گروه‌های مقاومت مانند حزب الله و حماس است، این موضوع می‌تواند به عنوان بهانه‌ای برای اعمال فشار بیشتر بر جمهور اسلامی مورد استفاده قرار گیرد

۲. تحریف مفهوم تروریسم

در کل فضای امنیتی موجود، مفهوم «تروریسم»

۴. تهدیدات اقتصادی ناشی از

رویای بازگشت امپراطوری عثمانی

آوای تفرقه در بزم اتحاد

شماره اول

مصاحبه با استاد مهدی عزیزی، کارشناس مسائل خاورمیانه

رویای احیای امپراتوری عثمانی، مانند ابری سیاه از گذشته‌های دور، بار دیگر در آسمان سیاست ترکیه و منطقه خاورمیانه ظاهر شده است. این رویا، که با ظهور حزب عدالت و توسعه و شخص رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور کنونی ترکیه، جان تازه‌ای یافته، یادآور روزگار اقتدار عثمانی است؛ امپراتوری که روزگاری پهنه‌ای وسیع از سرزمین‌های عربی، از جمله سوریه، مصر، فلسطین، لبنان و عراق را زیر پرچم خود داشت و مرکز ثقل آن، شهر قسطنطنیه (استانبول امروزی) بود. اما این امپراتوری باشکوه، با شعله‌های جنگ جهانی اول و دوم، فروپاشید و بر اساس توافق نامه سایکس-پیکو، میان قدرت‌های استعماری آن روزگار، یعنی فرانسه و انگلیس، تکه تکه شد.

امروزه، با وجود تغییرات عمیقی که در کشورهای عربی رخ داده و مفاهیمی نوینی که در ادبیات سیاسی و فرهنگی این کشورها رسوخ کرده، احیای امپراتوری عثمانی به شکل سابق، نه تنها ناممکن، بلکه خیالی واهی به نظر می‌رسد. ترکیب جمعیتی، تنوع مذهبی و طایفه‌ای، و از همه مهم‌تر، آگاهی سیاسی مردم منطقه، موانعی جدی بر سر راه این رویا هستند.

به نظر می‌رسد که اردوغان، بیش از آنکه به دنبال احیای واقعی امپراتوری عثمانی باشد، در پی بهره‌برداری از نمادهای تاریخی و فرهنگی آن برای تحکیم قدرت داخلی و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود است. او با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و سینمایی، سعی در القای این توهم به مردم ترکیه دارد که گویی دوران عظمت عثمانی بار دیگر در حال بازگشت است.

اما واقعیت این است که اردوغان، در بسیاری از موارد، نقش بازیگری را ایفا می‌کند که توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه آمریکا و اسرائیل، برای او تعریف شده است. او با همراهی با طرح‌های آنان، به دنبال کسب منافع اقتصادی و سیاسی برای خود و حزبش است.



اردوغان در رویای احیای امپراطوری عثمانی

در واقع، به نظر می‌رسد که طرح احیای امپراتوری عثمانی، قرار است همان نقشی را ایفا کند که گروه‌هایی مانند القاعده و داعش در گذشته ایفا کردند: مقابله با گفتمان مقاومت و ایجاد تفرقه در میان کشورهای اسلامی.

در حالی که ایران سال‌هاست که بر اتحاد کشورهای اسلامی و عربی حول مسئله فلسطین تأکید می‌کند، قدرت‌های فرامنطقه‌ای با ایجاد ائتلاف‌هایی مانند امپراتوری عثمانی، اقلیم سنی و هلال شیعی، در پی ایجاد شکاف و تفرقه در منطقه هستند.

در نهایت، می‌توان گفت که رویای احیای امپراتوری عثمانی، بیش از آنکه یک طرح واقعی باشد، یک توهم سیاسی است که توسط اردوغان و حزبش برای کسب منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت دنبال می‌شود. اما این توهم، می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای ثبات و امنیت منطقه به همراه داشته باشد.

رازی که در خون نهفته است ...

اما راز این شوق و تمنای روزافزون برای راهی سرزمین نور شدن چیست؟ در يك کلام، گاهی تأثیر این بازديد‌ها و خلوت کردن‌ها و بر روی خاک نشستن‌ها و از دل حرف زدن‌ها، از تأثیر صدها منبر و سخنرانی و کتاب بیشتر است. اینجا قدمگاه بهشتیان است. اینجا خون بهترین بندگان خدا برای دفاع از عزت و اعتلای مردم بر زمین ریخته است. حالا مگر ممکن است که این خاک گلگون با دل مردم بازی نکند و شیفته‌شان نکند؟ این ماجرا از سلسله ماجراهای راهیان نور، نقل محافل است که دختر جوانی چند سال پیش هنگام حضور در یکی از یادمان‌های مناطق عملیاتی، با خود كيك تولد يك سالگی‌اش را آورده بود و در پاسخ به تعجب حاضران گفته بود، من يك سال است که دوباره متولد شده‌ام! درست از يك سال پیش که به اینجا آمدم و متوجه خیلی چیزها شدم! به قول سید شهیدان اهل قلم، سیدمرتضی آوینی: «در عالم رازی است که جز به بهای خون، فاش نمی‌شود» و این راز فاش شده، جان‌های زائران نور را شیفته‌تر از قبل می‌کند حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در میانه همه‌ها به فرهنگ جهاد و شهادت، پیوسته تلاش کردند تا نام و یاد شهیدان را زنده نگه دارند؛ از سفر به مناطق راهیان نور و حضور در یادمان‌ها، حضور در منازل مادران و پدران شهیدان، یادآوری مکرر حقی که شهیدان بر گردن ملت ایران و مسئولان دارند، توجه دادن اهالی هنر و رسانه و نخبگان علمی و تبلیغی به سیره شهدا و زنده نگاه داشتن خاطرات رزمندگان و مجاهدان دفاع مقدس. توجه و عنایتی که منجر به پاگرفتن جریان بزرگ راهیان نور شد؛ جریانی که خادمان شهدای آن هر ساله در یادمان‌ها پذیرای اقشار مختلف مردمی هستند تا از نزدیک و به شکل محسوس، در فرصتی هرچند کوتاه با موقعیت جغرافیایی مجاهدت و دلیری فرزندان این آب‌و خاک مواجه شوند. «اگر این شهدایی که شلمچه، یادگار آن‌ها و این بیابان‌های خونین، حامل نشانه‌های آن‌هاست، نبودند، امروز در این کشور، از استقلال ملی، از شرف ملت، از اسلام و از هیچ چیز ایرانی، نشان برجسته‌ای نبود.» ۸/۱/۱۳۷۸



این نور یک سنت حسنة است

حضرت امام خامنه‌ای (مدله العالی)

Supreme Leader, Imam Khamenei

Rahian-e Noor (Camps) is a Priceworthy Custom

الإمام الخامنئي (مدله العالی)

«السائرین إلى النور»
سنة حسنة





اهمیت حق الناس در زندگی شهید محمد یزدانی

شهید محمد یزدانی ۳۱ مردادماه ۱۳۴۹ در خانواده ای مذهبی در کاشان به دنیا آمد. پدرش کارمند بانک بود و مادرش مبلغ مذهبی دوران کودکی اش بر اساس روشهای صحیح تربیتی بنا نهاده شد. پس از گذراندن دوران تحصیلی ابتدایی و راهنمایی وارد دبیرستان شد محمد در این ایام نظاره گر حرکت های تلخ و شیرین انقلاب بود. حماسه و ایثار مردم هنگام انقلاب و سرنگونی رژیم شاهنشاهی، بر ایثار و فداکاری محمد افزود. آموخت که موقع فداکاری است. هنگام فرارسیدن حمایت از امام و کوتاه کردن دست توطئه گران خارجی و داخلی است. هنگام لبیک گفتن است. همه اینها محمد را از مدرسه به سوی جبهه کشانید

محمد از طریق بسیج عازم جبهه شد. حدود دو سال در جبهه بود و در عملیاتیهای همچون کربلای چهار، کربلای پنج و آزادسازی پنج

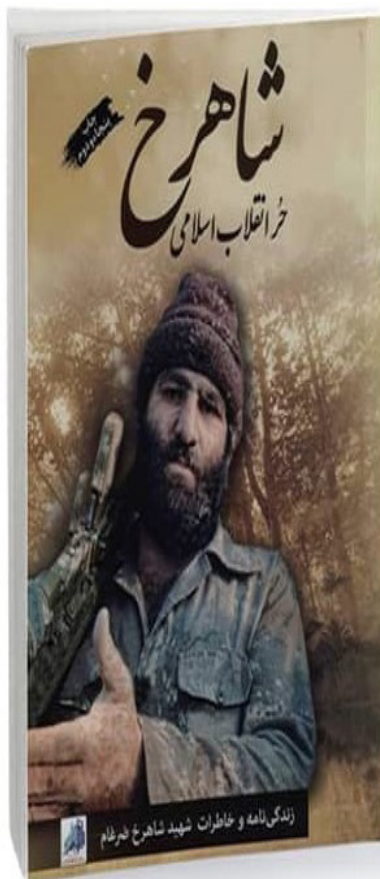
شهر عراق از جمله حلبچه شرکت کرد. يك بار از ناحیه گردن مجروح شد که با بهبودی نسبی به جبهه شتافت. محمد پسری مودب و خوش اخلاق و منظم بود. برای والدین احترام ویژه ای قائل بود و به قول مادر هرگز يك قدم جلوتر از پای آنها نگذاشت و صدای خود را بلندتر از صدای آنها نکرد. در رفتار با دیگران نیز خدا را در نظر داشت و احترام سایرین را رعایت می کرد. اهل قناعت و توکل به خدا بود. فردی مستقل و با اعتماد به نفس بود. از تجربیات دیگران استفاده می کرد و به حق الناس بسیار اهمیت می داد. مادر در خاطره ای از وی نقل می کند: محمد برایم تعریف کرد اول مهرماه ۶۶، جهت رفتن به خط در فاو، از داخل نی ها عبور می کردیم به مقری رسیدیم که افرادی در آن مقر خواب بودند. ساعت ۶،۵ صبح بود همین طور که در ستون حرکت می کردیم طبق معمول که صلوات را بلند می فرستادم يك لحظه فریب شیطان را خوردم و برای اینکه خواب آن موقع را مکروه می دانستم گفتم: لال و بی ایمان از دنیا نروید بلند بر محمد (ص) و آل محمد (ص) صلوات بفرستید. همه بچه ها صلوات فرستادند. گفتم صلوات بعدی را برای این برادران که در خواب هستند بفرستید. همه از خواب بیدار شدند. فرمانده گردان برادر سعیدی آمد وسط ستون و گفت: چرا شما حق الناس را رعایت نکردی. يك لحظه اشك در چشمم جمع شد، دیگر اصلاً "در خودم نبودم، تا شب ناراحت بودم و با هزار سختی شب را سپری کردم. بعد از ظهر روز بعد از مسیری که روز قبل حرکت کرده بودیم تنها و پیاده برگشتم تا به آن مقر رسیدم، دو برادر بالای سوله بودند. صدای یکی از آنها زدم و جریان را تعریف کرده و عذرخواهی کردم. گفت اشکالی ندارد. گفتم: موضوع را حتماً به بچه ها بگویند و وی قبول کرد. بعداً "فرمانده توضیح داد که بچه ها شب قبل میدان تیر داشتند، نماز صبح را خوانده و خوابیده بودند شهید محمد یزدانی در آخرین حضورش در جبهه، با حمله دشمن به فاو، خود را آماده نبرد کرد. محمد ۲۹ فرودین ماه ۱۳۶۷ در فاو به شهادت رسید و پیکر مطهرش همچنان مفقود می باشد

روحش شاد و راهش پر رهرو و یادش گرامی باد.

گزیده‌ای از متن کتاب «شاهرخ نامه»

-خسته و کلافه عرق از پیشانی پاک می‌کنم و نگاهی به اطرافم می‌اندازم. نگاه نافذ مردی درشت اندام نظرم را جلب میکنند. ریش پرپشت دارد و کلاه مشکی ساده بر سر و خستگی از تمام صورتش می‌بارد بر هر سوی خیابان. رنگ زمان به رنگهایش نشسته و چه بیشمار قصه‌ها که این جا از برابرش گذشته. او ناظر دائمی شب و روز این گذر است. از هر چهره‌ای بزرگتر (که اگر همین جا میان مردم ایستاده بود هم باز همین بود به یقین) اما همواره ناپیدا. سخت می‌توانم کسی را ببینم که بالا را هم بنگرد و متوجه او شود. سرها انگار همه پایین است این جا. او یک دیوار کامل مشرف به چهارراه سیروس تهران را پر کرده و نامش را درشت زیر تصویرش نوشته اند: شاهرخ (ابوالفضل) ضرغام

-تا شاهرخ جلو رفت، اوضاع بدتر شد. شاخ و شانه کشیدن بدل شد به عربده و مشت و سیلی و همیشه هم که یکی بی موقع تیزی می‌کشد. باز آمد جدا کند، دید از دور دو سه هم محلی دارند می‌دوند به طرفشان، حکماً به پشتیبانی آنها. در رودربایستی اینها، او هم شروع کرد به لگد زدن و تخت سینه خواباندن و همین کارهای همیشگی حوصله سربر خودشان. غلام یکی از تازه



نفسها بود. همیشه می‌رفت روی سقف نزدیکترین اتومبیل و با دشنه از آن بالا خراب سر رقا می‌شد. این بار تا تقلا کند، دعوا تمام شده بود. چرا؟ چون اینها یک بلیزر آبی داشتند که همان کنار ایستاده بود، و رفتن روی بلیزر که کار هر کسی نیست -کار نامربوط همیشه داشتی دیگه. کسی کار حسابی نمی‌کرد که. آقا اول که نمی‌دونم چی شد به ما گفتن بیا برو کشتی بگیر. این زد کلا همه چیو عوض کرد. زود بیدار می‌شدم، سر موقع می‌رفتم می‌اومدم. بالا هم رفتم، دیگه سر یه مسابقه ای اومدن بالا سر من شب قبلش، تهدید و تیزی و این چیزا، که باید ببازی. من اصلاً نفهمیدم

واقعا آدمای کسی بودن یا بازی بود یا چی بود. دیگه منم بی خیال شدم. کاش نمی‌شدم. دروغ چرا؟ بهترین روزام همونا بود که کشتی می‌گرفتم. جوون بودم دیگه. خوب بود



جاده عدالت: نشریه
سیاسی بسیج دانشجویی
دانشکدگان کشاورزی و
منابع طبیعی دانشگاه
تهران
صاحب امتیاز: بسیج
دانشجویی دانشکدگان
کشاورزی و منابع طبیعی
مدیر مسئول: امیرحسین
اسکندری
سردبیر نشریه: محمد ملی
ویراستار: زینب نیاسری
نویسندگان: عبدالله
میرزایی، واحد سیاسی
خواهران

